



18 سپتمبر 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

شرح مختصر در باره دیدار شاه امان الله غازی با محمدنادر خان و برادرانش در پاریس

دوست گرامی جناب مومند صاحب در دریچه نظر سنجی این پورتال سوالهایی را در ارتباط دیدار شاه امان الله غازی حین سفر فرانسه با سردار محمدنادرخان و برادرانشان که خانم "ریه استوارت" نویسنده کتاب "آتش در افغانستان" در زمینه مطالبی را نوشته و من آنرا در مقاله قبلی خود اقتباس کرده بودم، مطرح کرده اند که جالب و قابل بررسی میباشد. خواستم بدینوسیله مختصر عرایضی خدمت شان داشته باشم. در متن ذیل چند پاراگراف از توضیحات و سوالهای ایشان را اقتباس میدارم؛ مومند صاحب می نویسد:

«اقتصاد دان و محقق جید، داکتر صاحب سید عبدالله کاظم، ضمن مضمون تحقیقی خود تحت عنوان « انگلیس ها و به قدرت رسانیدن ...» پاراگرافی را از کتاب « آتش در افغانستان » چنین نقل قول نموده اند:

« هم چنان شاه امان الله هنگام سفر اروپا به تاریخ پنج جنوری به ناپل رفت و در آنجا از طرف نادر خان و برادرانش استقبال گردید، شاه از نادر خان خواست تا به افغانستان برگردد، ولی نادر خان این پیشنهاد را موکول به شرط برطرفی محمد ولی خان، غلام نبی خان، محمود سامی، غلام صدیق خان و محمود طرزی نمود.» ختم . به نظر نگارنده این سطور که آدم شکاک استم، محتویات پاراگراف نویسنده کتاب آتش در افغانستان سوال بر انگیز بوده و من آن را برابر به عقل کوچک خود برابر نیافتم....

ادعای نویسنده کتاب آتش در افغانستان، مبنی بر تقاضای غازی امان الله از محمد نادر خان مبنی بر بازگشت شان بوطن نظر به دلایل ذیل میان تهی و افسانوی به نظر میرسد:

یک : نویسنده کتاب توضیح نداده که این ملاقات بصورت مشخص در کجا صورت پذیرفته ؟ آیا این ملاقات در کدام محضر اجتماع بزرگ به شمول نایندگان مطبوعات صورت پذیرفته یا در کدام مجلس خصوصی میان امان الله خان و نادر خان ؟

اگر این مجلس خصوصی بوده و نمایندگان مطبوعات در آن اشتراک داشتند که منطقی باشد، پس نویسنده کتاب از این صحبت محرمانه میان امان الله خان و نادر چطور اطلاع حاصل نمود؟

دو: طوریکه قبلا توضیح دادم، ذهنیت شاه در نتیجه مشوره های رقبای نادر خان، مشکوک و مغشوش شده و در نتیجه همین بی اعتمادی و احساس خطر از او، نادر خان را از وطن دور کرد، حالا تحت کدام شرایط و عوامل و انگیزه ها، انهم در حالیکه تمام رقبای نادر خان در داخل کشور به قوت و قدرت خود باقی و استوار بوده، و شاه را در حیطة کاملا هم فکری با خود داشتند، دفعتا ذهنیت شاه تغیر کرد و خواست نادر خان بوطن برگردد ؟

آیا شاه چه ضرورتی به همکاری نادر خان داشت و خواهان تفویض کدام پست مهم دولتی به وی بود؟

هم چنان کدام عوامل موجب تغیر ذهنیت شاه در مورد آرزوی همکاری از نادر خان گردید؟

آیا چطور ممکن بود که پل اصلی را میان نادر خان و رقبای تشنه به خونش ایجاد کرد؟ به قول معروف: این خیال است و محال است و جنون.

سه: آیا نادر خان با تمام فهم و دانش و زیرکی سیاسی خود به این اندازه احمق بود که یگانه شرط عودت خو را،

طرد تمام رقبای مقتدر خود مانند ولی خان دروازی، غلام نبی خان، محمود سامی و مخصوصا محمود طرزی پدر ملکه ثریا و غیره را، از طرف امان الله خان نماید؟

این خیال است و محال است و جنون.

باید به صراحت کامل خاطر نشان سازم که تبصره فوق الذکر بر محتویات یک پاراگراف کتاب آتش در افغانستان،

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

به هیچ شکلی از اشکال و به هیچ وجه من الوجوه، انتقاد بر تحقیق جناب داکتر صاحب کاظم نبوده، بر عکس خود را مدیون جناب شان می‌دانم که با تحقیقی که بر آن زحمت فراوان کشیده اند، زمینه ابراز نبصره فوق الذکر را برایم مساعد ساخت.
با اظهار امتنان و شکران مجدد. «

احتراماً بعرض میرسد:

طوری‌که همه آگاه اند که شاه امان الله غازی به حیث اولین پادشاه افغانستان به معیت ملکه ثریا و جمعی از اراکین دولت طی یک سفر رسمی که از تاریخ 17 قوس 1306 شمسی (29 نوامبر 1927م) آغاز و تا 10 سرطان 1307 شمسی (اول جولای 1928) ادامه یافت، از دوازده کشور آسیائی و اروپائی دیدن کرد و در کشورهای هند، مصر، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، بلژیک، آلمان، سوئیس، پولند، روسیه، ترکیه و ایران مورد استقبال شایان آن دولت ها و سران شان قرار گرفت. جریان این سفر مهم و طولانی را استاد عزیزالدین وکیلی پوپلزائی بطور مستند با ذکر تاریخ و حتی ساعات برنامه ها در هر روز در کتاب "سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا 1306 - 1307" در جمعاً 312 صفحه با ایزاد یک تعداد عکس ها گنجانیده و این کتاب بار اول در سال 1364 (1985) در کابل و بعداً در سال 1379 بار دوم در پشاور تجدید طبع گردید.

گزارشات جریان سفر شاه در فرانسه که از 4 دلو 1306 ش آغاز و تا 19 دلو ادامه یافت، از صفحه 68 تا صفحه 80 کتاب را در بر می‌گیرد. طی این مدت سردار محمد نادر خان و برادرانش دوبار با شاه امان الله غازی مختصر دیدار داشتند: بار اول روز 15 دلو حینیکه شاه و همراهان از لیون به وسیله ریل دوباره به پاریس برگشتند و بار دوم بتاريخ 19 دلو هنگامیکه شاه پاریس را به عزم بلژیک ترک مینمودند.

پوپلزائی در صفحه 80 کتاب چنین می نویسد: «پادشاه و ملکه افغانستان به وقت ظهر 15 دلو از لیون بطرف پاریس حرکت فرمودند و ساعت 1:20 شب در استاسیون [ایستگاه] "گارد لیون" که با بیرقهای افغانستان و فرانسه تزئین یافته بود، واصل گردیدند. رفقای سفر پادشاه غازی که برای اجرای پاره یی از وظایف در پاریس مانده بودند، با اعضای سفارت افغانی مقیم پاریس که سردار محمد نادرخان، سفیر سابق افغانی در پاریس و دو برادر شان سردار محمد هاشم خان و سردار شاه ولیخان نیز در آن جمعیت شامل بودند و طلاب کلان سال افغانی که در پاریس تحصیل میکردند، از مقدم امان الله شاه غازی در استانسیه استقبال نمودند. امان الله شاه غازی پس از قبول رسم سلام و احترام هیأت های مستقبلین به هتل تشریف برده مصروف امور سفریه از قبیل اتمام مسودات یادداشت و صدور مراسلات و احکام در اجرای بعضی مسایل گردید....»

پوپلزائی در صفحه 84 کتاب می نویسد: «امان الله شاه غازی پس از انجام سفر رسمی و غیر رسمی پاریس، مصمم سفر بروکسل - بلژیک گردیدند. بتاريخ 19 دلو 1306 ش ساعت 11:30 جانب استانسیه حرکت نمودند. چهار نفر مهماندان پادشاه غازی در هتل حاضر بودند. در استانسیه گارد احترام با موزیک حاضر و تزئینات و ترتیبات لازم گرفته شده بود. یک نفر ژنرال و رئیس تشریفات ریاست جمهوری دولت فرانسه و سائر شخصیت ها برای ادای احترام و مراسم وداع حاضر بودند و

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

در میان جمعیت وزیر مختار سابق افغانستان سردار محمدنادرخان و دو برادر ایشان سردار محمد هاشم خان و سردار شاه ولیخان در صف مستقبلین قبلاً رسیده و منتظر بودند. طلاب افغانی مقیم پاریس نیز حاضر گردیده از حضور امان الله شاه غازی وداع نمودند. پس از این مراسم "ترن" موکب امان الله شاه جانب بروکسل در حرکت افتاد....»

از شرح مستند فوق واضح میشود که دیدار شاه امان الله با سردار محمدنادر خان بسیار کوتاه و زودگذر بود و احتمال اینکه در همچو فرصت کوتاه شاه امان الله از نادرخان دعوت برگشت به وطن را کرده باشد، بسیار محتمل است و اما اینکه در جواب محمد نادر خان شرایطی را بقول "ریه استوارت" برای برگشت خود به شاه معروض داشته باشد، واقعاً قابل غور است.

خانم ریه استوارت نویسنده کتاب "آتش در افغانستان" که از شهرت بسزا برخوردار است و این کتاب که بوسیله یارمحمد کوهسار کابلی به دری ترجمه و در سال 1380 در پشاور به چاپ رسیده ، در صفحه 53 آن چنین آمده است که من آنرا در مقاله قبلی خود اقتباس کردم به این عبارت که شاه امان الله : «بتاریخ 5 جنوری به ناپل موصلت کرد و در آنجا توسط نادرخان و برادران وی هاشم خان و شاه ولی خان استقبال گردید. امان الله خان از نادر خان خواست که به افغانستان برگردد، اما نادر خان شرایطی را پیشنهاد نمود مبنی بر اینکه محمدولی خان، غلام نبی خان، محمود سامی، غلام صدیق خان و محود طرزی برطرف گردند و امان الله خان آنرا رد کرد. برادران بار دیگر در فرانسه با وی بحث کردند و اما هاشم خان با نورالسراج دیدن نکرد....» (قابل ذکر است که هاشم خان قبلاً با خواهر شاه نورالسراج نامزد شده بود و اما موصوفه از نامزدی را فسخ کرد و با پسر کاکای خود ازدواج نمود که این عمل گفته میشود موجب تشدید مخالفت دو خاندان و بخصوص هاشم خان با شاه امان الله گردید.)

خانم ریه استوارت یکی از محققان دقیق دوره امانی است و با منابع و مأخذ دست اول در اروپا دسترسی داشته و کتابش به حیث یک مأخذ با اعتبار مورد استفاده بسیاری محققان قرار گرفته است. گمان نمیرود که موصوفه بدون سند چنین مطلبی را در کتاب خود گنجانیده باشد. یقین است که همچو مطلب حین یک مکالمه کوتاه بین شاه و نادر خان صورت گرفته باشد و خانم استوارت آنرا از قول یکی از حاضرین گرفته باشد. متأسفانه همین حالا متن انگلیسی کتاب در دستم نیست تا دقیقاً آنرا بررسی کنم که تا چه حد این مطلب بطور دقیق ترجمه شده است.

اینکه شاه از نادرخان در خواست برگشت کرده باشد، به دلیلی خواهد بود که شاه حتماً از تماسهای محمدنادر خان و برادرانش با انگلیسها که از سال 1925 آغاز شده و کماکان ادامه داشت، قبلاً مطلع بوده و با این دعوت میخواست تا محمدنادر خان را بداخل کشور فرا خواند و در آنجا فعالیت های او را زیر نظر داشته باشد و اما اینکه چرا محمدنادر خان این درخواست شاه را به شرایطی ثقیل و غیر عملی موکول کرده، باز هم برمیگردد به این نکته که نادرخان خواست به نحوی پیش پای شاه شرایطی را قرار دهد که شاه ناگزیر از قبول آن امتناع ورزد و نادرخان نیز از رفتن به افغانستان بدینوسیله خود را کنار بکشد، چون او عزم دیگر داشت و از جریانات بحرانی افغانستان که حین غیابت شاه در حال وقوع بود و احتمال سقوط سلطنت را میدانست و خود را به حیث یک کاندید قدرت با حمایت انگلیس محسوب میکرد، منتظر فرصت برای آینده بود و نمیخواست تا روشن شدن اوضاع به افغانستان برگردد.

امید است با این شرح مختصر آنچه در این ارتباط به فکر جناب محترم مومند صاحب رسیده و در دریچه نظر سنجی همین امروز نوشته اند، تاحدی روشنی انداخته شده باشد. از لطف شان کمال امتنان دارم و از موشگافی شان در قضایای کشور قدردانی و تمجید میدارم. (خدای بزرگ برضمایر آگاه است)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ